

تبیین ابعاد مسؤولیت شرعی کارگزاران حکومت اسلامی

دریافت: ۹۶/۱/۱۴ تأیید: ۹۶/۵/۱۵ محسن منطقی* و محمد علیزاده**

چکیده

اهمیت رفتار سازمانی کارگزاران حکومت اسلامی در این است که اداره امور جامعه اسلامی توسط این نوع رفتارها انجام می‌گیرد و صلاح و رشد یا سقوط و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی منوط به این نوع رفتارها است. بدیهی است که کارگزار حکومتی در هر کشوری بر اساس قوانین و مقررات آن کشور در برابر افعال و رفتارهای سازمانی خود مسؤولیت حقوقی دارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا کارگزاران در قبال رفتارهای سازمانی مسؤولیت شرعی داشته و مورد بازخواست قرار می‌گیرند؟ ابعاد این مسؤولیت شرعی کدامند؟ مقاله حاضر به منظور شناسایی و تبیین ابعاد مسؤولیت شرعی رفتار سازمانی کارگزاران، با مطالعه نظریات فقهی و مبانی آنها و با روش تحلیلی - توصیفی به پاسخ این دو پرسش پرداخته و مسؤولیت شرعی کارگزاران را از زوایای مختلفی همچون حفظ امانت الهی، صلاحیت تصدی مناصب، تأمین اهداف و مصالح حکومتی، مسؤولیت پیامد رفتار، مسؤولیت جمعی، اطاعت از حاکم اسلامی و حفاظت از بیت‌المال بررسی و آن را تبیین نموده است. این ابعاد به‌عنوان قواعد کلان و چارچوب حاکم بر رفتار سازمانی کارگزاران محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی

کارگزاران اسلامی، حکومت اسلامی، مسؤولیت شرعی کارگزاران، رفتار سازمانی

* استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .;

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدیریت رفتاری مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی .;

مقدمه

یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی، حکومت‌داری است. از منظر شیعیان امامیه، بهترین نظام حکومتی آن است که در رأس هرم قدرت، فرد معصوم 7 و در صورت عدم حضور معصوم، فقیه آشنا به احکام و قوانین الهی، اوضاع زمان و مصالح و مفاسد جزئی و دارای شایستگی‌های اخلاقی و مدیریت جامعه باشد. بدیهی است که حاکم اسلامی به تنهایی نمی‌تواند همه امورات جامعه را بطور مستقیم اداره نماید. بنابراین، تشکیل قوا و سازمان‌های حکومتی و واگذاری اداره آنها به کارگزاران ضرورت پیدا می‌کند. مطالعه تاریخ اسلام نشان می‌دهد که پیامبر گرامی اسلام و حضرت امیر و امام حسن : نیز به اقتضای آن عصر، سازمان‌های نظامی، قضایی، استانداری‌های مناطق و غیره تشکیل داده و تصدی امور حکومتی را به کارگزارانی همچون استانداران، فرماندهان، قضات و غیره واگذار می‌کردند؛ مانند واگذاری استانداری مصر به مالک اشتر (نهج البلاغه، نامه ۵۳). کارگزارانی که متصدی امور حکومتی می‌شوند، دارای رفتار سازمانی هستند که مربوط به اداره سازمان و حکومت و یا مربوط به وظیفه حکومتی آنها است. از مطالعه منابع و متون تاریخی، حدیثی و فقهی بدست می‌آید که بیشترین تمرکز منابع فقهی بر استنباط و تبیین مسؤلیت‌های فردی در برابر خدای متعال بوده است و اندک مباحث مربوط به رفتار کارگزاران نیز فقط به جنبه اخلاقی توجه داشته و به آسانی از کنار آن عبور شده است؛ درحالی‌که رفتار سازمانی و حکومتی کارگزاران از آن جهت که با نفوس، اموال و آبرو و حیثیت مردم در ارتباط است، نسبت به رفتارهای غیر سازمانی اهمیت ویژه‌ای دارد. صلاح و فساد مردم، اقامه دین الهی منوط به سلامت حکومت و رفتار کارگزاران آن است و نمی‌توان به راحتی از کنار این رفتارها عبور نموده و آن را یک بحث اخلاقی یا قانونی صرف دانست. این نوع نگاه سطحی موجب می‌شود مهمترین مسائل فقهی نادیده گرفته شود و حدود و ثغور آن تبیین نگردد. از سوی دیگر، کارگزاران و صاحب‌منصبان نیز به مسائل رفتار خود در حکومت و سازمان‌ها با نگاه شرعی توجه نداشته باشند و صرفاً آن را مدیریتی یا اخلاقی تلقی کنند

و اهمیت جایگاه کارگزاران و حساسیت رفتارهای آنان و سنگینی مسئولیت‌شان در مناصب حکومتی به خوبی روشن نگردد. بنابراین، هدف مقاله حاضر، نگاه تکلیف‌مدار به این رفتارها بوده سعی دارد ابعاد مسئولیت شرعی آنها را شناسایی و تبیین کند. هدف نهایی، آشناسازی کارگزاران با مسئولیت شرعی‌شان و طرح نمودن برخی موضوعات فقه حکومتی است. با تکیه بر این هدف، پرسش اصلی آن است که مسئولیت شرعی رفتار سازمانی کارگزاران حکومت اسلامی دارای چه ابعادی است؟ این پژوهش با جمع‌آوری و مطالعه نظریات فقهی و مبانی آنها و با روش تحلیلی - توصیفی به این پرسش، پاسخ می‌دهد.

رفتار سازمانی

سازمان عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که برای تحقق اهدافی معین همکاری می‌کنند (رضائیان، ۱۳۸۸، ص ۱۰). اهداف مشترک، روابط و جایگاه افراد، فعالیت تعاونی و مقررات، ویژگی‌های مشترک سازمان‌ها هستند (Ahuja, 1993, p.159-160; Bose, 2005, p.89-91; Davis and Scott, 2007, p.6-24). بنابراین، به همه قوای حکومت و مجموعه‌های وابسته به آن می‌توان عنوان سازمان اطلاق نمود.

رفتار سازمانی را نگرش‌ها و اعمال افراد در سازمان تعریف کرده‌اند (Blanchard and Hersey, 1989, p.14؛ رضائیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱). در تعریف دیگر آمده است که رفتارهای سازمانی، فعالیت‌هایی است که اعضای سازمان نسبت به یکدیگر، نسبت به سازمان، نسبت به ارباب رجوع و در یک مقیاس بزرگتر نسبت به جامعه می‌دهند (خانکا، ۱۳۸۹، ص ۱۴). به عبارت دیگر، رفتار سازمانی، رفتارها و فعالیت‌هایی است که دانش رفتار سازمانی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. دانش رفتار سازمانی به رفتارهایی می‌پردازد که مربوط به کار و عملکرد سازمانی افراد است (Robbins, 1994, p.2). بنابراین، منظور از رفتار سازمانی کارگزاران، همان رفتارهایی است که مربوط به کار و عملکرد سازمانی و حکومتی آنان است.

حکومت اسلامی

حکومت اسلامی، حکومتی است که تمام ارکان آن بر اساس دین شکل گرفته باشد. در حکومت اسلامی، همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام اسلامی است و از نظر شیعه مجریان آن منصوب از طرف خدا و یا به اذن خاص یا عام معصوم منصوب شده‌اند. حکومت رسول‌الله و امام معصوم **8** و حاکمیت افرادی نظیر «مالک اشتر» در زمان حضور معصوم و یا حکومت ولی فقیه جامع‌الشرائط در عصر غیبت از مصادیق حکومت اسلامی است. ایجاد نظم و امنیت در جامعه، هدایت و ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی معنوی، ضمانت اجرای قوانین اسلامی و تأمین نیازهای عمومی جامعه از جمله اهداف حکومت اسلامی شمرده می‌شوند (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷-۱۰۳ و ۱۷۰).

مسئولیت شرعی

واژه «مسئولیت» به معنای وظیفه و عملی است که انسان عهده‌دارش می‌شود (عمید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۷۹۸) و به معنای متعهدبودن هم آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۹۰۷). همچنین معنای مسئولیت این است که شخص در موقعیتی است که می‌توان وی را مورد بازخواست قرار داد و درباره انجام وظیفه‌ای که بر عهده دارد سؤال کرد تا در صورت انجام آن، مورد تشویق و پاداش قرار گیرد و در صورت سرپیچی مورد توبیخ و تنبیه واقع شود. مسئولیت به این معنا با «وظیفه» و «تکلیف» تلازم دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱). بنابراین، مسئولیت شرعی در برابر تکالیف شرعی مطرح می‌شود و بدین معنا است که کارگزاران در انجام وظایف و رفتار سازمانی خود علاوه بر مسئول بودن در برابر قانون و مقررات، در پیشگاه خداوند متعال نیز مسئول هستند و در روز قیامت باید حساب پس دهند و خدای متعال از رفتار سازمانی آنان مانند سایر رفتارها، بازخواست نموده و ثواب و عقاب در نظر گرفته است.

مسئولیت شرعی رفتار سازمانی

اولین پرسش در رابطه با مسئولیت شرعی کارگزاران این است که آیا کارگزاران حکومت اسلامی در قبال رفتار سازمانی و حکومتی خود علاوه بر پاسخگوبودن در برابر قانون، مسئولیت شرعی هم دارند؟

بر اساس نصوص دینی، رفتارهای اختیاری انسان در کمال و سعادت یا سقوط او مؤثرند. رفتارهای سازمانی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و می‌توانند مصداق «عمل صالح» و «حق» یا «عمل ناپسند» و «باطل» باشند. به عبارت دیگر، اطاعت یا نافرمانی خداوند در اقدامات سازمانی نیز صدق می‌کند. اگر رفتارهای سازمانی کارگزار مصداق عمل صالح باشد، اجر و ثواب الهی را در پی دارد؛ همانطوری که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس از مرد و زن عمل شایسته انجام دهد و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و پاداششان را بهتر از عملشان می‌دهیم» (نحل (۱۶): ۹۷). همه آیاتی که برای اعمال نیک انسان وعده پاداش داده‌اند، منحصر به اعمال عبادی نیستند، بلکه عام بوده و به‌عنوان یک قاعده کلی شامل همه رفتارهایی که تحت عنوان عمل صالح درآید، می‌شوند. رفتارهای ناشایست نیز همینطور است: «هر کس عمل ناپسند انجام دهد، بدان کیفر داده می‌شود و جز خدا برای او یار و یآوری یافت نخواهد شد» (نساء (۴): ۱۲۳).

برخی از روایات به‌صورت صریح بر مدعا دلالت دارند. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس متولی ظلمی از ظالم شود یا او را در ظلمش یاری رساند فرشته مرگ با لعن بر او وارد شده و به آتش جهنم و جایگاه بد بشارت می‌دهد» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۱). امام صادق ۷ حتی راضی نیست یک گره به نفع ظالمان بزند و به‌اعوان ظلمه بشارت آتش جهنم می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۸۱). بدیهی است رفتارهایی که در این روایات ذکر شده است؛ هرچند مربوط به حکومت ظالمان است، ولی ناظر به سازمان و حکومت است و برای آنان عذاب اخروی در نظر گرفته شده است. فقها در خصوص چنین رفتارهای انسان به بحث فقهی پرداخته و احکام شرعی آن را معین کرده‌اند (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۵-۱۴۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۱-۵۳).

حضرت علی 7 در نامه به «محمد بن ابی بکر» می‌فرماید:

با مردم فروتن، نرم‌خو، مهربان و گشاده باش. در نگاه‌هایت به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند؛ زیرا خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید، اگر کیفر دهد، شما استحقاق بیش از آن را دارید و اگر ببخشد از بزرگواری اوست (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

این رفتارها مربوط به حکومت و رفتار یک والی با مردم است و آن حضرت کیفر و ثواب خداوند به آنها را متذکر می‌شود. حضرت در نامه دیگر به یکی از کارگزاران می‌فرماید: «کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود» (همان). منظور حضرت از امانت، مأموریتی است که به کارگزار خود عطا فرموده است و درست انجام ندادن مأموریت را خیانت دانسته و خواری و رسوایی در قیامت را کیفر آن می‌داند. امام 7 در فرازی از نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی». در همین نامه فرمود: «نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن؛ اگرچه همه وقت برای خداست، اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد». طبق این فرمایش، همه رفتارهایی که یک کارگزار با نیت الهی انجام می‌دهد، نوعی عبادت و رابطه با خداوند است. حضرت امیر 7 در بخشی از نامه به کارگزاران بیت‌المال می‌فرماید: «بدانید مسؤولیتی را که به عهده گرفته‌اید اندک، اما پاداش آن فراوان است» (همان، نامه ۵۱).

مجموع این آیات و روایات اثبات می‌کنند که به رفتار سازمانی نیز تکالیف شرعی تعلق می‌گیرد و دارای ثواب و عقاب اخروی هستند. علاوه بر این شواهد، می‌توان به قاعده «دین حداکثری» استدلال نمود. دین حداکثری اقتضا می‌کند که هر رفتار اختیاری انسان دارای حکم شرعی باشد (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۹). بر این اساس، احکام شرعی به همه رفتارهای اختیاری انسان تعلق می‌گیرد و رفتار سازمانی نیز جزء

رفتارهای اختیاری انسان است. از سوی دیگر، فقهای عظام در مورد استفتائات سازمانی کارمندان و کارگزاران، فتوای شرعی داده‌اند. تعلق حکم شرعی بر رفتار سازمانی، دلیل مسؤولیت شرعی افراد در برابر چنین رفتار است.

ابعاد مسؤولیت شرعی رفتار سازمانی کارگزاران

مسؤولیت کارگزاران حکومت اسلامی در برابر رفتارهای سازمانی را می‌توان از زوایای متعددی ملاحظه نمود. ابعاد زیر از طریق استقرا در استفتائات و فتاوی فقهای مرتبط با حکومت و فعالیت‌های سازمانی و بررسی مبانی آنها بدست آمده است. احتمال می‌رود دیگر پژوهشگران بتوانند زوایای دیگری را به این موارد بیفزایند. همچنین ممکن است این ابعاد در برخی موارد هم‌پوشانی هم داشته باشند، اما زوایه نگاه به هرکدام از آنها باهم فرق دارد. در واقع این ابعاد، چارچوب‌های شرعی حاکم بر رفتار سازمانی هستند.

امانتداری و حفظ امانت الهی

نصوص دینی، به مأموریت حکومتی و مسؤولیت‌های اجتماعی به‌عنوان امانت نگاه می‌کند. آیات و روایات زیادی این نگرش را تأیید و توصیه می‌کنند. از جمله آن آیات: «همانا خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش بازدهید» (نساء: ۴: ۵۸). ظاهر آیه، وجوب رد امانت به صاحبش است و اطلاق امانت، شامل امانت مالی و غیر مالی می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۷۸). «احمد بن عمر» می‌گوید: «از امام رضا 7 پرسیدم منظور این آیه چیست؟ فرمود: منظور امامان هستند و خداوند هر یک از امامان را مأمور می‌سازد که امر حکومت را به شخص بعد از خود واگذار کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶). این آیه و روایات ذیل آن نشان می‌دهند که امامت امت، امانت است.

برخی روایات نیز ولایت یک منطقه و امور و مسؤولیت‌های حکومتی را امانت می‌دانند. وقتی «طلحه» و «زبیر» از حضرت امیر 7 درخواست حکومت بر منطقه‌ای از ممالک اسلامی را می‌کنند، امام در پاسخ آنان فرمود: «آگاه باشید که من میان اصحابم

تنها کسانی را در امانت خویش شریک می‌کنم که از دینداری و امانتداری آنان راضی هستم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۱؛ حسینی مدنی، ۱۴۲۰، ص ۹۵). مناسبت بین درخواست آنان و پاسخ امام نشان می‌دهد که منظور آن حضرت از امانت، مسؤولیت حکومتی است. آن حضرت در نامه به یکی از کارگزاران خود می‌نویسد: «همانا من تو را در امانت خود شریک نمودم و از هر کس به خویش نزدیکتر پنداشتم و هیچیک از خاندانم برای یاری و همکاری‌ام چون تو مورد اعتماد نبود و امانتدار من نمی‌نمود» (نهج البلاغه، نامه ۴۱). «علامه مجلسی» امانت را در این عبارت، به خلافت و حکومت تفسیر می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۵۰۳). حضرت علی ۷ خطاب به «رفاعه» (قاضی اهواز) می‌فرماید: «بدان ای رفاعه که امانت است، پس هر کس که نسبت به آن خیانت کند، پس تا روز قیامت از رحمت خدا دور باشد و هر کس از آن خائنانه بهره بگیرد، رسول خدا ﷺ از او در دنیا و آخرت بیزار و دور خواهد بود» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۳۱).

ادله و شواهد مذکور نشان می‌دهد که مسؤولیت‌های اجتماعی و سازمانی نظیر خلافت، استانداری، فرمانداری و غیره از کلان تا خرد، امانت هستند. بنابراین، از نظر اسلام منصب اجتماعی و سازمانی، امانتی الهی است که مسؤولیت‌های بسیار خطیر و سنگینی را به دنبال دارد و به هر اندازه دامنه آن وسیع‌تر باشد، مسؤولیت آن بیشتر و سنگین‌تر است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۰۹) و امانتداری یکی از شرایط حاکم و کارگزاران اسلامی است (همان، ج ۱، ص ۹۳). اهمیت امانت بستگی به اهمیت موضوع امانت دارد. هرچقدر موضوع امانت، مهم‌تر باشد، مسؤولیت فرد بیشتر خواهد بود. مسؤولیت‌های اجتماعی و سازمانی مجموعه‌ای از امانت‌ها را در خود دارند؛ مانند بیت‌المال، آبرو، اسرار و اطلاعات مردم و سایر امانت‌ها. بنابراین، مسؤولیت سازمانی در خیلی موارد شدیدتر از مسؤولیت‌های فردی است. حضرت امیر ۷ در خطبه‌ای در میان مردم کوفه می‌فرماید: «همانا جایز نیست که شخصی چون معاویه امین بر خون‌ها، احکام، نوامیس، غنائم و صدقات باشد، کسی که هم خودش متهم است و هم دینش و خیانت او در امانت امری تجربه‌شده است» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۳۱).

حضرت در این خطبه مصادیق امانت‌های مربوط به جایگاه حاکم را مطرح می‌کند و معاویه را شایسته امانتداری برای این موارد نمی‌داند. بدیهی است که پست‌ها و جایگاه‌های پایین‌تر نیز دربردارنده همین مصادیق امانت هستند، اما هر چه جایگاه و مناصب سازمانی پایین‌تر باشد، دایره و دامنه این امانت‌ها محدودتر است. بر این اساس، افرادی که در مناصب بالاتر و حساس‌تر قرار می‌گیرند، باید صلاحیت‌های بیشتری داشته باشند. شرایطی که اسلام برای حاکم، قاضی و غیره لازم می‌داند، شاهد این امر است. حضرت امیر 7 در خطاب به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «بزرگترین خیانت، خیانت به امت است» (نهج البلاغه، نامه ۲۶). این روایت تصریح می‌کند که خیانت به یک امت از خیانت به یک یا چند نفر بزرگتر و مسؤولیت فرد خائن شدیدتر است.

سیره عقلا نیز بر این است که امانت‌های بزرگ را به افرادی می‌سپارند که امانتداری آنان در سطح عالی باشد، اما در امور کم‌اهمیت چنین دقتی را ندارند و در صورت خیانت در امور مهمتر، تنبیه شدیدتری را اعمال می‌کنند. «عثمان بن حنیف» استاندار حضرت علی 7 در «بصره» در یکی از مهمانی‌ها شرکت کرده بود، حضرت با نوشتن نامه با وی برخورد می‌کند که چرا در این مهمانی شرکت کرده و سر سفره رنگین نشسته است (همان، نامه ۴۵)؛ درحالی که افراد دیگری از مردم عادی نیز در آن مهمانی حضور داشتند، ولی حضرت فقط با استاندار خود چنین برخورد می‌کند؛ چون با عنوان و جایگاه استاندار شرکت داشته و وظیفه و مسؤولیت متفاوت با بقیه افراد جامعه دارد. حضرت امیر 7 به مالک اشتر سفارش می‌کند که از همکاران نزدیکش سخت مراقبت کند و اگر یکی از آنان دست به خیانت زند، او را با تازیانه کیفر کرده و سپس او را خوار و خیانتکار بشمارد و طوق بدنامی به گردن او بیندازد (همان، نامه ۵۳)؛ درحالی که در خصوص سایر مردم چنین دستور و حکمی صادر نشده است. از مجموع این شواهد استنباط می‌شود که کارگزاران حکومت اسلامی مسؤولیت شرعی دارند که در حفظ این امانت مهم با تمام توان کوشا بوده و از هرگونه رفتار خائنانه و سوء استفاده از امانت الهی خودداری نمایند.

صلاحیت تصدی مناصب

یکی از ابعاد مسؤولیت شرعی کارگزاران، صلاحیت داشتن در پذیرش مناصب حکومتی است. تصدی مناصب اجتماعی توسط شایستگان، موجب حفظ امانت و پیشرفت نظام و جامعه است و عدم رعایت شایستگی، جامعه و نظام به انحطاط کشیده می‌شود. هر فردی را جایگاه و شایستگی خاصی است و هر فردی در جایگاه متناسب با شایستگی خود قرار بگیرد، امور جامعه اصلاح می‌گردد؛ چنانکه امیر مؤمنان 7 در این باره می‌فرماید: «عامل سقوط دولت‌ها چهار چیز است: ضایع کردن اصول، پرداختن به مسائل فرعی، پیش‌انداختن افراد ناشایست و کنارزدن شایستگان» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۰۰). پس یکی از عوامل فروپاشی حکومت و جامعه این است که مناصب حکومتی را افرادی به عهده بگیرند که شایستگی آن را ندارند. در حدیث دیگری از آن حضرت درباره آثار و پیامدهای منفی فقدان شایستگی آمده است: «متولی شدن فرومایگان و افراد بی‌تجربه بر امور دولت، موجب سقوط و انحلال آن است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۵). روایات دیگری نیز از آن حضرت در این زمینه وارد شده است: «هنگامی که تصدی امور به دست افراد ناشایست بیفتد، شایستگان از بین می‌روند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۶). این روایات، نقش و آثار صلاحیت متصدیان جایگاه‌های حکومتی و رفتار آنان را در رشد یا سقوط جامعه بیان می‌کنند.

طایفه دیگر از روایات، برگزیدن افراد ناشایست و متصدی شدن آنان در امور اجتماعی و حکومتی را خیانت و اساس رذایل می‌دانند؛ از جمله «اساس پستی‌ها، برگزیدن افراد ناشایست است» (همان، ص ۳۷۸). همچنین رسول خدا 9 فرمود: «کسی که شخصی از مسلمانان را به کار بگمارد و بداند که در میان آنان کسی اولی و بهتر از وی به انجام این مسؤولیت و دانایتر از او به کتاب خدا و سنت پیامبر 9 وجود دارد، بی‌تردید به خدا و رسول او و جمیع مسلمانان خیانت ورزیده است» (بیهقی، ۱۳۴۴ق، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۸، ص ۴۱۱). همچنین ابوذر از پیامبر 9 روایت می‌کند: «کسی که در میان جمعی کسی را به کار بگمارد و در میان آنان کسی که بیشتر از وی مورد رضایت خداوند باشد وجود دارد، به خدا و پیامبرش و مؤمنین

خیانت کرده است» (ابن شهر آشوب، ۳۷۹ق، ج ۱، ص ۲۵۸). در نظریات فقهی نیز با عبارات مختلف به این موضوع پرداخته شده است. از جمله اگر حاکمی دارای توان تدبیر امور و اداره شؤون حکومتی مسلمین نباشد، تصدی ولایت بر او حرام است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳). کسی که مخالف با ولایت فقیه است، صلاحیت تصدی هیچ سمتی را در جمهوری اسلامی ندارد (فاضل لنکرانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۶). بدیهی است که اگر تصدی منصب سازمانی جایز نباشد، باقی ماندن در آن منصب و رفتار سازمانی نیز جایز نخواهد بود؛ زیرا مفاسد مطرح شده در روایات مربوط به رفتارهای فرد ناشایست است. در بررسی و جمع بندی روایات و نظریات فقهی، این نتایج حاصل گردید که تصدی مناصب حکومتی بدون صلاحیت و یا اعطای آن به فرد ناشایست مسؤولیت شرعی دارد. همچنین رفتار سازمانی کسی که بدون صلاحیت، متصدی منصب شده، جواز شرعی ندارد.

تأمین اهداف متعالی حکومت اسلامی

بُعد دیگر مسؤولیت شرعی کارگزاران، تأمین اهداف حکومت اسلامی است. حکومت و سازمان‌های آن، رسالت و اهداف خاصی دارند که برای رسیدن به آنها ایجاد شده‌اند و رفتارهای کارگزاران در راستای تأمین آن اهداف انجام می‌گیرد. فلسفه تشکیل حکومت، تحقق اهداف آن است و اسلامی بودن یک حکومت به اهداف آن بستگی دارد. نصوص دینی و سیره عقلا به روشنی تأیید می‌کنند که تمام فعالیت‌های سازمانی و مأموریت‌های محوله به انبیای الهی از سوی خدای متعال، اهداف ویژه‌ای داشته و فرد مأمور باید به دنبال تحقق آن اهداف عمل می‌کرد. همه انبیای الهی نیز در طول مأموریت خود تصریح نموده‌اند که رفتارشان شخصی نیست، بلکه از سوی خدا بوده و در راستای تحقق اهداف الهی رفتار می‌کنند. سفارش‌های پیامبر و حضرت امیر ۸ به مأموران و والیان خود نشان می‌دهد که در اعزام نمودن آنان، اهداف سازمانی خاصی وجود داشته و رفتارهای آنان باید اهداف مورد نظر را تأمین می‌کرد. در صورتی که مأمور، اهداف مد نظر مافوق و سازمان را در رفتارهای خود دنبال نکرده، توبیخ شده

است. نامه‌های حضرت امیر 7 به والیان خائن و توبیخ آنان شاهد این امر است که رفتار آنان مطابق اهداف حکومتی و سازمانی نبوده است (نهج البلاغه، نامه 40). وقتی حضرت امیر 7 مالک اشتر را به استانداری مصر برگزید در عهدنامه خود، اهداف استانداری را بطور شفاف بیان کرد. آن حضرت در ابتدای این عهدنامه می‌فرماید: «این فرمان بنده خدا علی، امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد» (همان، نامه 53). از این فرمایش معلوم است که هدف آن حضرت از تشکیل استانداری و ولایت مصر، جمع‌آوری خراج، جهاد با دشمن، اصلاح امور مردم و آبادساختن شهرها است و مالک اشتر باید تمام رفتارهای سازمانی خود را متوجه این اهداف نماید. بدیهی است که اگر کارگزاران رفتارهای خود را از مقاصد حکومت اسلامی منحرف ساخته و به دنبال اهداف شخصی خود باشند در پیشگاه الهی مسؤول هستند.

رعایت مصالح حکومتی و سازمانی

هرکدام از رفتارهای حکومتی و سازمانی کارگزاران دارای مصالحی هستند که تأمین مجموع این مصالح، حکومت اسلامی را به رسالت و اهداف خود می‌رساند. هرچند در دانش مدیریت توصیه می‌شود که مدیران باید طوری هدف‌گذاری کنند که در حد امکان، اهداف و مصالح سازمانی، اهداف و مصالح فردی را نیز تأمین نمایند، اما این امر در دنیای واقعی بطور صد در صد امکان‌پذیر نیست و به‌رحال بین مصالح فردی و سازمانی تفاوت و تزاخم وجود دارد. در هر صورت، رفتارهای سازمانی کارگزاران باید در راستای مصالح سازمان و نظام اسلامی باشند و در صورت تزاخم، مصالح نظام اسلامی بر مصالح شخصی و فردی مقدم است. حضرت امیر 7 در نامه به فرماندهان سپاه می‌فرماید: «نباید از فرمان من سرپیچی کنید و در انجام آنچه صلاح است، سستی ورزید» (همان، نامه 50). منظور از صلاح در این فرمایش، همان مصالح حکومتی و سازمانی است. در برخی موارد به مصالح سازمانی نیز تصریح شده است. به‌عنوان مثال،

آن حضرت در نامه‌ای به کارگزار خود می‌فرماید: «پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام‌کردن و اشاره‌کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند» (همان، نامه ۴۶). در این فرمایش، طمع‌نورزیدن زورمندان و مأیوس‌نشدن ناتوانان به‌عنوان مصالح رفتارهای خواسته‌شده مطرح گردیده است، بنابراین، در اینکه رفتارها و تکالیف سازمانی نیز مانند تکالیف غیر سازمانی دارای مصالح هستند، شکی نیست.

آنچه می‌تواند تکالیف رفتار سازمانی را از تکالیف رفتار شخصی متمایز نماید، تفاوت مصالح حکومتی و اجتماعی با مصالح فردی است. مواردی از نصوص دینی و سیره معصومین : شاهد تمایز تکالیف اجتماعی با فردی است. از جمله ماجرای فتح مکه و چگونگی برخورد پیامبر اکرم ﷺ با رؤسای کفار و مشرکین پس از پیروزی بر آنان است، با اینکه علیه پیامبر خدا ﷺ و مسلمانان جنگ راه انداخته و باعث اذیت و آزار و شهادت چندین نفر شده بودند، ولی رسول خدا ﷺ به خاطر مصالح اجتماعی، آنان را آزاد و عفو فرمود (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۲). ماجرای عفو غلام حبشی، قاتل حضرت حمزه سیدالشهداء (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۰) و ماجرای جنگ جمل که امیرالمؤمنین ۷ پس از پیروزی بر آنان با اینکه سبب قتل بسیاری از مسلمین شده بودند، اما آن حضرت همه آنان را مورد عفو قرار داد (نهج البلاغه، نامه ۵۳). برخی از فقها از این شواهد استنباط می‌کنند که رعایت مصالح عمومی بر رعایت مصالح شخصی و فردی مقدم است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۷۵). همچنین با استنباط از مجموع آیات و روایات اسلامی در مسأله حفظ اسرار و عدم تجسس از کارکنان، محدودهٔ تحریم افشای اسرار و عیوب آنان را منحصر در اسرار و لغزش‌های شخصی و خانوادگی می‌داند که با مصالح عمومی جامعه هیچگونه ارتباطی ندارد، اما اموری که به مصالح عمومی جامعه و حفظ نظام مسلمین وابستگی دارند، به‌ناچار باید در چارچوب مقررات اسلامی مورد بازرسی و مراقبت قرار بگیرند (همان، ج ۴، ص ۲۹۹). در برخی فتاوی‌های فقهی مشاهده می‌شود که مأمور خرید یک سازمان باید در خرید کالا برای سازمان، مصلحت سازمان را رعایت نماید (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص ۲۷۵).

این شواهد نشان می‌دهند که رفتارهای حکومتی و سازمانی، بستگی به مصالح حکومتی و سازمانی دارد که با مصالح شخصی متفاوت است و رعایت مصالح سازمانی در رفتارهای سازمانی لازم است و کارگزاران حکومت اسلامی مسئولیت دارند ضمن رعایت حقوق افراد، مصالح حکومت و سازمان مربوطه را در رفتار سازمانی رعایت نموده و رفتار خود را مطابق مصالح حکومتی و سازمانی تنظیم نمایند.

مسئولیت پیامد رفتار

یکی دیگر از ابعاد مسئولیت شرعی کارگزاران و عامل سنگین بودن مسئولیت آنان، آثار و پیامدهای رفتارهای آنها است. «سکونی» از امام صادق 7 و ایشان نیز از طریق پدرانشان از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند:

دو صنف از امت من هستند که اگر صالح باشند، امت من به صلاح می‌گریند و اگر فاسد باشند، امتم به فساد کشیده می‌شوند. گفته شد یا رسول الله، آن دودسته کیانند؟ حضرت فرمود: یکی عالمان دینی و دیگری فرمانروایان (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۶).

بر اساس این روایت، رفتار مثبت و منفی کسانی که در جایگاه امیری قرار دارند، بر رفتار مردم تأثیر می‌گذارد. شبیه همین مضمون، در حدیث متسبب به رسول خدا ﷺ آمده است: «الناس علی دین ملوکهم» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۱)؛ مردم بر دین فرمانروایانشان هستند و در حدیثی از امیرالمؤمنین 7 نقل شده است: «مردم به فرمانروایان خود شبیه‌ترند تا به اجدادشان» (جرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۸). امیر مؤمنان به مأموران زکات می‌فرماید: «ای بندگان خدا! به مردم بگویید مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او پردازید؟» (نهج البلاغه، نامه ۵۲). این فرمایش دلالت بر این دارد که کارگزاران حکومت نماینده حکومت هستند و مردم به رفتار آنان اعتماد بیشتری نسبت به رفتار افراد غیر دارند. سیره عقلا نیز حاکی از این است که مردم به یک سازمان دولتی و رفتار مسئولین بیش از دیگران اعتماد دارند و رفتار آنان بیش از دیگران بر مردم اثرگذار است.

شاهد دیگر از فتوای فقها این است که اعطا و دریافت هدیه یکی از رفتارهای مشروع و جایز در زندگی روزمره مردم است، ولی دریافت هدیه از سوی کارگزاران و کارکنان حکومتی در فتاوی فقها غیر مجاز شمرده شده است؛ همانطور که حضرت امام 1 می‌فرماید:

بر کارکنان جایز نیست از ارباب رجوع هدیه دریافت کنند؛ زیرا هدیه در محیط کار از خطرناک‌ترین امور است و باعث فساد و سوء ظن به آنان و تشویق و تحریک افراد طمع‌کار به عدم رفتار مطابق مقررات شده و حق دیگران را ضایع می‌کند (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۸۳).

دلیل غیر مجاز بودن این رفتار، تأثیر منفی این رفتار است. بنابراین، آثار رفتار کارگزاران، مسؤولیت آنان را سنگین‌تر می‌نماید. بر اساس این مبانی است که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

یک وقت هست که ما مسؤولان جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی‌گری می‌دهیم، این دیگر مباح و مکروه ندارد، همه‌اش حرام است. ریخت‌وپاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت‌المال است. ثانیاً ریخت‌وپاش ما مشوق ریخت‌وپاش دیگران است. واقعاً الناس علی دین ملوکهم، ملوک در اینجا به معنای پادشاهان نیست، بلکه مسؤولین است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

این فتوا نشان می‌دهد که کارگزاران در برابر پیامدهای رفتار خود در جامعه نیز مسؤولیت شرعی دارند و نمی‌توانند به این امر مهم بی‌توجه باشند. در نتیجه کارگزاران حکومت اسلامی در برابر پیامد رفتار خود که شامل مفاسدی مانند تضییع حقوق مردم، انحطاط اخلاقی جامعه، بدبینی مردم نسبت به دین و حکومت اسلامی و غیره، مسؤولیت شرعی دارند.

مسؤولیت جمعی

مسؤولیت جمعی به این معنا است که همه اعضا در عملکرد و کارکردهای سازمان، شریک هستند. به‌عنوان مثال، کارگزار و کارمندی که در یک مجموعه، وظایف محوله

خود را درست انجام می‌دهد، اما می‌داند که سازمان، ظلم یا خلاف شرعی را مرتکب می‌شود، در برابر آن مسؤولیت شرعی دارد. تعاونی و جمعی بودن فعالیت‌ها یکی از ویژگی‌های حکومت و سازمان است که اقتضای مسؤولیت مشترک را دارد. بطور معمول، کارگزاران حکومتی آگاهانه رسالت و مقاصد حکومت را پذیرفته و با هم جهت رسیدن به آن اهداف همکاری می‌کنند. در واقع هدف حکومت و سازمان، فعل واحدی است که افراد با مشارکت هم آن را انجام می‌دهند. این امر اقتضا دارد که کارگزاران در موفقیت‌ها و ضعف‌های مجموعه‌ای که در آن انجام وظیفه می‌کنند، فی‌الجمله مسؤولیت جمعی داشته باشند. حضرت امیر 7 به یکی از کارگزاران خود فرمود: «پس مدارا کن ای ابوالعباس! امید است آنچه از دست و زبان تو از خوب و یا بد، جاری می‌شود، خدا تو را بیامرزد؛ چراکه من و تو در اینگونه از رفتارها شریکیم» (نهج البلاغه، نامه ۱۸). در جای دیگر به «طلحه» و «زبیر» فرمود: «آگاه باشید که من میان اصحابم تنها کسانی را در امانت خویش شریک می‌کنم که از دینداری و امانتداری آنها راضی هستم» (حسینی مدنی، ۱۴۲۰ق، ص ۹۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۱). این فرمایشات نشان می‌دهند که کارگزاران حکومتی، علاوه بر رفتارهای خود، مسؤولیت رفتارهای مجموعه تحت امر خود را نیز دارند و باید در انتخاب افراد زیرمجموعه دقت نموده و بر رفتارهای آنان نظارت داشته باشند. آیه شریفه تعاون (مائده: ۵): ۲ و روایات واردشده در باب نهی از همکاری در ظلم و اعوان ظلمه‌شدن نشان می‌دهد که افراد، مسؤولیت جمعی در حکومت‌داری و کارهای جمعی دارند. به‌عنوان مثال، «محمد بن سنان» از «طلحه بن زید»، از امام صادق 7 نقل می‌کند: «ظلم‌کننده، کمک‌کننده آن و راضی‌شونده به آن ظلم، هر سه در گناه شریکند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۳). بر همین اساس، حضرت امام 1 استخدام در سازمانی که شخص بداند این سازمان به اسرائیل کمک می‌نماید را جایز ندانسته و حقوق یا اجرت این کار را حرام می‌داند و حتی می‌فرماید در صورت شک هم در این مؤسسات وارد نشوند (امام خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۶۴۰)؛ در حالی که شغل و فعالیت‌های چنین سازمانی فی‌نفسه مباح است، اما دلیل حرمت، همکاری در تقویت ظالم و وجود مسؤولیت جمعی است. عقل نیز بطور قطعی به قبیح‌بودن همکاری در

گناه و تهیه مقدمات و یاری دیگران برای ارتکاب گناه حکم می‌کند، همچنین بر حسن همکاری در امور خیر و تهیه مقدمات اطاعت دیگران دلالت دارد. بنابراین، کارگزاران در مسؤولیت رفتارهای کل سازمان و حکومت شریک هستند.

اطاعت از حاکم اسلامی و قانون

در حکومت اسلامی مقررات و قوانین تدوین و به تأیید حاکم اسلامی می‌رسد. همه رفتارهای سازمانی کارگزاران باید در چارچوب این مقررات و قوانین انجام گیرد. پشتوانه این مقررات، اهداف و مصالح حکومت و حفظ نظم اجتماعی است. در واقع لزوم رعایت مقررات از نظر شرعی مبتنی بر حفظ نظام اجتماعی و اطاعت از حاکم اسلامی است.

تصدی منصب در حکومت اسلامی، نه تنها جایز، بلکه در مواردی واجب می‌شود. به‌عنوان مثال، هنگامی که حاکم عادل اسلامی فرد را به منصبی بگمارد و دستور به همکاری دهد (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۲). «شیخ صدوق» با نقل احادیث مربوطه، پذیرفتن حکومت و حتی قضاوت طاغوت و مراجعه به آن را حرام و تبعیت از «امام عادل» را لازم شمرده است و ظاهراً مقصود او از «امام عادل»، اعم از امام معصوم و ولی فقیه هست (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲-۳). به نظر «شیخ طوسی»، تولی امر و پذیرفتن منصب از جانب سلطان عادل و حاکمی که امر به معروف و نهی از منکر کند و هر چیزی را در موضع و جایگاه ویژه خود قرار بدهد، جایز و حتی تشویق شده است و چه بسا در برخی موارد واجب نیز بشود (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۵۶). برخی فقهای دیگر نیز به این امر پرداخته و در مورد جواز و وجوب قبول مسؤولیت از حاکم عادل و یا نایب وی بحث نموده‌اند (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۱۵۵). از امام جعفر صادق ۷ روایت شده که فرمود: «پذیرفتن مسؤولیت و ولایت از جانب امرای عادل که خداوند مردم را به پیروی از آنان امر کرده، کارکردن برای آنها فریضه‌ای الهی و اطاعت آنان واجب است و برای کسی که از جانب آنان برای انجام کاری مأمور می‌گردد، تخلف از دستور آنان، جایز نیست» (ابن حیون،

۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۲۷). این روایت پذیرش مناصب از سوی امرای عادل و عمل بر اساس دستورات آنان را نیز فریضه شرعی می‌داند.

حضرت امیر 7 در نامه‌ای به سپاهیان می‌فرماید: «پس دستورات عمل‌های ضروری را از فرماندهانتان دریافت داشته و از فرماندهان خود در آنچه خدا امور شما را اصلاح می‌کند، اطاعت کنید» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). این نامه نیز شاهد بر این است که کارگزاران ملزم به رعایت دستورات حاکم اسلامی و قوانین هستند. کارگزاران به‌عنوان مجریان قانون و اوامر حاکم اسلامی نسبت به سایر مردم مسؤولیت سنگین‌تری دارند و از سوی دیگر، قانون در برخی موارد وظایف سنگین‌تری را بر عهده کارگزاران می‌گذارد. به‌عنوان مثال، فرماندهان و مأموران نظامی با وجود اینکه تهدید و خطر جانی برای آنان وجود دارد، ولی مکلف به انجام وظیفه خود طبق مقررات هستند و حق ندارند به خاطر تهدید جانی، از مقررات چشم‌پوشی نمایند (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۸۳). این امر به دلیل اهمیت مصالح عمومی و سازمانی است؛ در صورتی که در رفتارهای شخصی، تهدید در بسیاری از موارد مجوز ترک تکالیف می‌شود. بنابراین، کارگزاران در اطاعت از فرامین حاکم اسلامی و تبعیت از قانون، مسؤولیت شرعی دارند. در فتاوی‌ای فقهی نیز مراعات مقررات دولت اسلامی لازم شمرده شده است و عمل بر خلاف مقررات جایز نیست (امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۴). همچنین تخلف از مقررات سازمانی نیز مانند تخلف از قانون است و کارمندان و مسؤولین در ادارات مسؤولیت دارند رفتارشان مطابق با مقررات سازمان و دولت اسلامی باشد (همان، ج ۳، ص ۵۳).

حفاظت و استفاده صحیح از بیت‌المال

یکی دیگر از متغیرهای مؤثر در سنگینی مسؤولیت شرعی کارگزاران، اموال حکومتی و سازمانی است. کارگزاران با بیت‌المال سر و کار دارند و از این اموال در انجام وظایف خود استفاده می‌نمایند. آزادی تصرف در اموال حکومتی و سازمانی وجود ندارد.

شرع مقدس در خصوص بیت‌المال حساسیت بیشتری نشان می‌دهد و کارگزاران را دعوت به صرفه‌جویی در استفاده از بیت‌المال می‌نماید. «محمد بن ابراهیم نوفلی» از امام صادق 7 نقل می‌کند:

حضرت امیر 7 به کارگزار خود نوشت: قلم‌های خود را نازک بتراشید و سطرها را به هم نزدیک کنید و زیادی‌ها را بیندازید و در آوردن معانی صرفه‌جویی کنید و از زیاده‌روی بپرهیزید که به اموال مسلمانان زیان‌رساندن روا نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۰۴).

حضرت در نامه به «زیاد بن ابیه»، جانشین فرماندار بصره می‌فرماید: «همانا من، به‌راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی» (همان، ص ۳۷۷). «خُدَری» نقل می‌کند: «همانا شبی عمرو عاص بر امیرالمؤمنین 7 در بیت‌المال وارد شد، آن حضرت چراغ را خاموش کرد و در نور ماه نشستند و فرمود: بدون استحقاق و نیاز، استفاده از چراغ بیت‌المال جایز نیست» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰). حضرت امیر 7 یک‌شب در بیت‌المال چگونگی تقسیم اموال را می‌نوشت، طلحه و زبیر بر وی وارد شدند، آن حضرت چراغی را که پیش رو داشت خاموش کرد و دستور فرمود تا چراغ دیگری از منزل آن حضرت آورند، از آن حضرت علت آن را پرسیدند، فرمود: «روغن آن از بیت‌المال است و سزاوار نیست که در پرتو آن با یکدیگر گفتگو کنیم» (شوشتری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۵۳۹). «عمرو بن علاء» می‌گوید:

چون عقیل از امیرالمؤمنین 7 خواست که از بیت‌المال به وی بپردازد، حضرت به وی فرمود: تا روز جمعه صبر کن، عقیل تا روز جمعه صبر کرد. حضرت چون نماز جمعه را بر مردم خواند به عقیل فرمود: نظر تو درباره کسی که به همه اینان خیانت کند چیست؟ گفت: وی بسیار آدم بدی است. فرمود: تو از من می‌خواهی به همه اینان خیانت کنم و اموال آنان را به تو ببخشم؟ (تقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۱۴).

امیر مؤمنان 7 به برادرش عقیل می‌فرماید: «من و تو در بیت‌المال همانند دیگر مسلمانان هستیم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۰۹). این فرمایش نشان می‌دهد که مسؤولین جامعه اسلامی نمی‌توانند از بیت‌المال بیش از سایر افراد جامعه استفاده نمایند و مسائلی نظیر لزوم حفظ شخصیت و حیثیت اجتماعی مسؤولین و موقعیت سیاسی آنان در برابر دشمنان نمی‌تواند مجوزی برای استفاده بیش از اندازه آنان از اموال دولتی گردد.

بنابراین، هرگونه اسراف و اتلاف بیت‌المال از سوی کارگزاران، علاوه بر حرمت، موجب ضمان شرعی است (امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۲۱). هرگونه تصرف و بهره‌برداری شخصی بدون اجازه مسؤول شرعی و قانونی بیت‌المال جایز نیست و کسی نمی‌تواند آنها را در راستای اهداف و مصالح شخصی خود بکار گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵۳۰).

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه و بررسی منابع اسلامی روشن شد که کارگزاران در برابر رفتار سازمانی خود مسؤولیت شرعی دارند و باید در برابر خدای متعال پاسخگو باشند و احکام الهی به این نوع رفتارها هم تعلق گرفته و ثواب و عقاب در نظر گرفته شده است. از آنجا که این نوع رفتارها در صلاح و فساد و سرنوشت جامعه مؤثرند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. افرادی که در مناصب حکومتی قرار می‌گیرند، مسؤولیت سنگین‌تری نسبت به سایر افراد دارند. مسؤولیت شرعی کارگزاران حکومت اسلامی را می‌توان در برابر رفتار سازمانی از زوایای مختلفی ملاحظه نمود. به عبارت دیگر، سنگین‌بودن مسؤولیت کارگزاران به ابعاد متعددی بستگی دارد. این موارد، اصول و قواعد کلان حاکم بر رفتار سازمانی کارگزاران هستند و رفتار آنان باید در چارچوب این قواعد انجام گیرد. از جمله اینکه مناصب حکومتی، امانت ارزشمند و مهمی هستند که کارگزاران مسؤولیت حفظ این امانت را دارند و به‌هیچوجه نباید از این امانت سوء استفاده یا کوتاهی نمایند. بر اساس نصوص اسلامی و نظریات فقهی، کارگزاران باید

دارای صلاحیت تصدی مناصب سازمانی و حکومتی باشند و در صورت فقدان صلاحیت، در مواردی رفتار سازمانی آنان فاقد جواز شرعی است و همچنین کارگزاران در واگذاری مناصب به افراد دیگر نیز مسؤول هستند و باید آن را به افراد دارای صلاحیت تفویض کنند. رفتار سازمانی کارگزاران باید تأمین‌کننده اهداف حکومت اسلامی و مصالح حکومتی و سازمانی باشد، نه اهداف و مصالح شخصی. رفتار سازمانی کارگزاران نسبت به رفتارهای سایر افراد جامعه، آثار و پیامد بیشتری دارند و این امر مسؤولیت آنان را سنگین‌تر می‌کند. کارگزاران در برابر رفتارهای حکومتی و نقاط ضعف و قوت آن، مسؤولیت مجموعی دارند و همه آنان فی‌الجمله مسؤولند و همچنین نسبت به رفتار سازمانی افراد زیرمجموعه خود مسؤولیت دارند. کارگزاران بیش از مردم عادی در برابر فرامین حاکم اسلامی و قانون مسؤول بوده و باید رفتار سازمانی‌شان بر اساس دستورات حاکم اسلامی و قانون باشد. همه رفتارهای سازمانی و تصمیمات کارگزاران به نحوی تصرف در بیت‌المال را به‌همراه دارد. بنابراین، آنان باید در حفظ بیت‌المال و استفاده بهینه از آن کوشا باشند و هرگونه کوتاهی و اسراف در استفاده بیت‌المال، مسؤولیت شرعی به دنبال دارد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبته‌الله، شرح نهج البلاغه لابن‌أبی‌الحدید، ج ۱، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن‌اثیر، علی بن‌ابی‌الکرم، الکامل فی‌التاریخ، ج ۲، بیروت: دار صادر - دار بیروت، ۱۳۸۵ق.
۵. ابن‌براج، عبدالعزیز طرابلسی، المهذب، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن‌حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ج ۲، قم: مؤسسة آل‌البیت، ج ۲، ۱۳۸۵ق.
۷. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل‌أبی‌طالب، ج ۱ و ۲، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.

- ٨ ابن هشام، عبدالملك الحميري، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى السقا، ابراهيم الأبياري و عبد الحفيظ شلبي، ج ٢، بيروت: دار المعرفة، بي.تا.
- ٩ اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج ٢، تبريز: بني هاشمي، ١٣٨١ق.
- ١٠ اعرافي، علي رضا، فقه تربيتي، ج ١، قم: مؤسسه فرهنگي هنري اشراق و عرفان، ١٣٩١.
- ١١ امام خميني، سيدروح الله، توضيح المسائل، تحقيق مسلم قلي پور گيلاني، بي.جا: (نرم افزار فقه جامع اهل بيت ٢)، ١٤٢٦ق.
- ١٢ -----، استفتانات، ج ٢ و ٣، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج ٥، ١٤٢٢ق.
- ١٣ -----، المكاسب المحرمة، ج ٢، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني ؛ (نرم افزار فقه جامع اهل بيت ٢)، ١٤١٥ق.
- ١٤ -----، توضيح المسائل (محتشئ)، ج ٢، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج ٨، ١٤٢٤ق.
- ١٥ اميني، عبدالحسين، الغدير في الكتاب و السنّة و الأدب، ج ٨، بيروت: دار الكتاب العربي، ج ٤، ١٣٩٧ق.
- ١٦ انصاري، مرتضى، كتاب المكاسب المحرمة و البيع و الخيارات، ج ٢، قم: كنگره جهاني بزرگداشت شيخ انصاري، ١٤١٥ق.
- ١٧ بيهقي، احمد بن حسين، سنن بيهقي، ج ١٠، بيروت: دار المعرفة، ١٣٤٤ق.
- ١٨ تميمي آمدی، عبدالواحد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، قم: دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، ١٣٦٦.
- ١٩ -----، غرر الحكم و درر الكلم (مجموعه من كلمات و حكم الإمام علي ٧)، قم: دار الكتاب الإسلامي، ج ٢، ١٤١٠ق.
- ٢٠ ثقفی، ابراهيم بن محمد، الغارات أو الإستنفار و الغارات (ط - الحديثة)، ج ٢، تهران: انجمن آثار ملي، ١٣٩٥ق.
- ٢١ حراني، ابن شعبه، حسن بن علي، تحف العقول عن آل الرسول ٩، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج ٢، ١٤٠٤ق.
- ٢٢ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، ج ١٧، قم: مؤسسه آل البيت ، ١٤٠٩ق.

۲۳. حسینی مدنی، ضامن بن شدقم، **وقعة الجمل**، قم: نشر محمد، ۱۴۲۰ق.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، **أجوبة الاستفتاءات (فارسی)**، قم: دفتر رهبری، ۱۴۲۴ق.
۲۵. -----، **بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت**،
farsi.khamenei.ir: ۱۳۸۴/۶/۸.
۲۶. خانکا، اس.اس، **رفتار سازمانی**، ترجمه غلامرضا شمس مورکانی، تهران: آبیژ، ۱۳۸۹.
۲۷. دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**، ج ۱۳، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۲
از دوره جدید، ۱۳۷۷.
۲۸. رضائیان، علی، **مبانی سازمان و مدیریت**، تهران: سمت، ج ۱۳، ۱۳۸۸.
۲۹. -----، **مبانی مدیریت رفتار سازمانی**، تهران: سمت، ج ۱۰، ۱۳۸۹.
۳۰. شوشتری، نورالله، **احقاق الحق و اذهاق الباطل**، ج ۸، قم: مکتب آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۱ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، **الخصال**، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۳۲. -----، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۳ و ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ۱۴۱۳ق.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته
به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی**، بیروت: دار الکتب العربی، ج ۲،
۱۴۰۰ق.
۳۵. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی**، ج ۲، تهران: امیر کبیر، ج ۲۹، ۱۳۸۷.
۳۶. فاضل لنکرانی، محمد، **جامع المسائل (فارسی)**، ج ۱، قم: انتشارات امیر قلم، ج ۱۱، بی‌تا.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی (ط - الإسلامية)**، ج ۱، ۲ و ۵، تهران: دار الکتب الإسلامية،
ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، ج ۳۳ و ۴۱، بیروت: دار
إحياء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۳۹. مصباح یزدی، محمد تقی، **فلسفه اخلاق**، تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی، تهران:
سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۰.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، **استفتانات جدید**، ج ۱، قم: انتشارات مدرسه امام علی ۷، ج ۲، ۱۴۲۷ق.

۴۱. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۱، ۲ و ۵، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ق.
۴۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ۱۴۰۴ق.
۴۳. نوروزی، محمدجواد، نظام سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲، ۱۳۸۰.

44. Ahuja, k.k, **managemament & organization**, India, Satish kumar Jain, 1993.
45. Bose, Chandra, **Principles of Management and Administration**, prentice – Hall of India, 2005.
46. Hersey, paul & Kenneeth H. Blanchard, **Management of Organizational Behavior: utilizing Human Rresoures**, Englewood cliffs, New Jersey: prentice-Hall, Inc,1989, 5th ed.
47. Robbins, Stephen p, **Essential Of Organizational Behavior**, 4th ed, Prentice Hall, 1994.
48. scott, Richard w. & Davis, Gerald f, **Organization and organizing: Rational, Natural, and open system perspectivs**, Pearson prentice Hall, 2007.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی